

سرمایه اجتماعی و معمای رشد و توسعه

اسداله نقدی^۱ و علی سوری^۲

چکیده

سرمایه اجتماعی از مهمترین متغیرهای جدید در حوزه ادبیات جامعه شناسی است. در این مقاله به بررسی تئوری های سرمایه اجتماعی و تعامل و تاثیر آن با دیگر انواع سرمایه پرداخته شده است. از جمله تاثیر سرمایه انسانی بر اجتماعی و بر عکس و نیز سرمایه مالی خواهیم پرداخت و رابطه آن با برخی متغیرها از جمله امید به زندگی، تولید ناخالص داخلی، برابری قدرت خرید، تعداد روزنامه به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، حقوق سیاسی، آزادیهای مدنی، ثبات سیاسی، نقش قانون، کارآمدی دولت مورد کنکاش علمی قرار داده و با استفاده از آماره های متناسب با سطوح سنجش داده ها آزمون شده اند

۱- استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه بوعلی سینا

۲- استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا

روش مورد استفاده در این بررسی تحلیل داده های ثانویه است مطالعات میدانی گوناگون در کشور های مورد اشاره این مقاله از جمله نتایج مطالعه در ایتالیا، بورکینافاسو ، نروژ، امریکا و در نهایت این مطالعه در ایران و نیز مطالعات بین کشوری نشانگر رابطه مثبت و تسریع گر میزان و کیفیت سرمایه اجتماعی و نقش مهم این متغیر در بهبود سطح زندگی و بهبود سایر شاخص های توسعه بویژه تسهیل رشد و توسعه اقتصادی دارد.

واژه های کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، توسعه

مقدمه

طی سالیان اخیر مشخص شده است که یک دارایی جمعی تقریباً ناپیدایی در فرایند کلی توسعه بخصوص در فعالیت های اقتصادی در کنار عوامل و هزینه های تولید ایفای نقش می کند. این متغیر به سرمایه اجتماعی که ناشی از مشارکت، حضور در شبکه ها، اعتماد، آموزش و آگاهی و... است معروف شده و بتازگی پس از طرح موضوع سرمایه اجتماعی و بکارگیری آن در مطالعات جامعه شناختی در سالیان اخیر، این مطلب توجه اقتصاد دانان را نیز بخود جلب نموده و مطالعات دامنه داری در این زمینه آغاز شده است

اگرچه پرداختن به موضوع سرمایه تاریخ به بلندای علوم اجتماعی نوین دارد و به آثار مارکس برمی گردد، اما در کنار معنای کلاسیک سرمایه معانی جدیدی نیز مطرح شده است مانند سرمایه انسانی (شولتز) سرمایه فرهنگی (بورديو) سرمایه اجتماعی (پوتنام، کلمن، لین و...) مطالعات در باره رابطه سرمایه اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی از منظر روش شناختی به چند دسته تقسیم می گردد: برخی مبتنی بر تحلیل داده های ثانویه و بعضی دیگر بر نتایج پیمایش های ملی استوار هستند. گروه سوم نیز به ارائه مدل و الگو سازی برای مطالعه روابط متقابل بین انواع سرمایه مانند سرمایه فیزیکی و مالی و انسانی با سرمایه اجتماعی پرداخته اند.

جدول ۱: نظریه های سرمایه

نظریه جدید	نظریه جدید	نظریه جدید	نظریه کلاسیک	
سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	سرمایه انسانی	مارکس	نظریه پرداز
لین ، کلمن و پاتنام	بورديو	شولتز		
دسترسى و استفاده از منابع نهفته در شبکه	باز تولید معانی و نماد های مسلط	انباشت ارزش اضافی	روابط اجتماعی	تبیین
سرمایه گذاری در شبکه های اجتماعی	درونی کردن یا درک نادرست از ارزش های مسلط	سرمایه گذاری مهارت و دانش فنی	بخشی از ارزش اضافی	سرمایه
فرد/گروه	فرد/طبقه	فرد	ساختاری	سطح تحلیل

تلخیص شده از توسلی و موسوی ۱۳۸۴: ۴ به نقل از لین ۱۹۹۹

۱-۲-۲- سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی

انسان هدف توسعه و نیز در عین حال ابزار و مجری برنامه های توسعه نیز هست. در یک جامعه مفروض افراد برای اهداف مشترکی کار می کنند. آنها در ارتباط با یکدیگر قرار دارند و رفتارهای آنها بر همدیگر اثر می گذارد. ناچارند به همدیگر به درجات متفاوتی اعتماد داشته باشند. سرمایه انسانی یکی از انواع سرمایه ها است. سرمایه گذاری که در جهت افزایش مهارت و تخصص و توانائی شهروندان سرمایه انسانی است. انباشت این نوع از سرمایه یکی از عوامل رشد اقتصادی کشورها را تشکیل می دهد. جیمز کلمن یکی از افرادی است که نقش سرمایه اجتماعی را در تشکیل سرمایه انسانی مورد توجه قرار داده است. **کلمن** (۱۹۹۴) می گوید که سرمایه اجتماعی منبعی برای یک خانواده، جامعه یا سازمان است که موجب می شود تا در خصوص پرورش افراد جوان و کودکان سرمایه گذاری صورت گیرد. همچنین **گری بکر** نیز نقش روابط خانوادگی را در انباشت سرمایه انسانی مورد توجه قرار می دهد. کلمن شواهدی را ارائه می دهد که طبق آن وجود سرمایه اجتماعی در داخل یک خانواده چگونه در تعیین

کاهش ترک تحصیل بچه‌ها اهمیت دارد. از طرف دیگر او دریافت که سرمایه اجتماعی در بیرون از خانواده نقش مهمی در ادامه تحصیل و کاهش ترک تحصیل بچه‌ها دارد. وی نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که اغلب نقل مکان می‌کنند به دلیل ارتباط کمی که با محیط اطراف خود از قبیل افراد محله و... دارند، طول دوره تحصیل بچه‌های آنها کمتر است. زیرا ماندگاری یک خانواده در یک محله باعث می‌شود تا روابط بیشتری با افراد پیدا شود و سرمایه اجتماعی بین آنها شکل گیرد. **گرو تارت و سوآمی** (۲۰۰۲) شواهدی از کشور بوركینافاسو ارائه می‌دهد که طبق آن هر چه شرکت داوطلبانه والدین در انجمن اولیاء و مربیان بیشتر باشد، نرخ ادامه تحصیل نیز بالاتر است. به هر حال تمامی این مطالعات نشان می‌دهند که افرادی که در سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند، سرمایه‌گذاری آنها در سرمایه انسانی نیز بیشتر است.

۲-۲-۲ سرمایه اجتماعی و توسعه مالی

مدل دیگری که نقش سرمایه اجتماعی را در رشد اقتصادی بررسی می‌کند از طریق توسعه مالی است. **کیوسو، ساینزا و زینگالس** (۲۰۰۰) شواهدی را ارائه داده‌اند که بر اساس داده‌های اقتصاد خرد راجع به خانوارها و بنگاه‌ها، سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق توسعه مالی و همکاریهای مالی به بهبود اوضاع اقتصادی کمک کند. در چنین مدلی فرض می‌شود که سرمایه اجتماعی از طریق افزایش کارایی بخش مالی به رشد کمک می‌کند. بدین طریق پس‌انداز افراد یا خانوارها را با سرعت بیشتر و اعتماد بیشتری به دست بنگاه‌ها می‌رساند و تبدیل به تولید کالاها و خدمات می‌کند.

۲-۳ سرمایه اجتماعی و توسعه

در دوره ۷-۱۹۹۵ مطالعه‌ای توسط **WVS** راجع به سرمایه اجتماعی صورت گرفت که برآوردی از سرمایه اجتماعی و بررسی اجمالی از رابطه آن با برخی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. این بررسی در ۴۷ کشور انجام شده که طیفی از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را در بر می‌گیرد. در این مطالعه سؤالات مختلفی از قبیل وضعیت مشارکت و عضویت داوطلبانه در سازمان‌ها، انجمن‌ها، احزاب و غیره، اعتماد اجتماعی و دامنه اعتماد

اجتماعی بین مردم و گروه‌های مختلف طرح گردیده است. در جدول (۳) برآوردی از اعتماد اجتماعی و همچنین شاخص سرمایه اجتماعی ارائه شده است. ارقام جدول مذکور نشان می‌دهد که بیشترین مقدار شاخص سرمایه اجتماعی عمدتاً مربوط به کشورهای پیشرفته می‌باشد. به گونه‌ای که بیشترین مقدار آن ۸/۲۸ متعلق به نروژ می‌باشد.

جدول ۲ متوسط اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی در اواسط دهه ۱۹۹۰

کشور	اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی	کشور	اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی
نروژ	۰/۶۵	۸/۲۸	فدارسیون روسیه	۰/۲۳	۲/۳۰
سوئد	۰/۵۷	۷/۲۶	بنگلادش	۰/۲۰	۲/۲۹
فنلاند	۰/۴۸	۵/۹۱	بلاروس	۰/۲۳	۲/۲۷
ایالات متحده	۰/۳۵	۵/۵۰	بلغارستان	۰/۲۴	۲/۲۳
استرالیا	۰/۴۰	۵/۴۱	آفریقای جنوبی	۰/۱۵	۲/۲۰
نیوزیلند	۰/۴۷	۵/۳۴	غنا	۰/۱۷	۲/۲۰
آلمان	۰/۴۰	۵/۰۲	استونی	۰/۲۱	۲/۱۳
تایوان	۰/۴۰	۴/۸۰	گرجستان	۰/۲۱	۲/۱۱
چین	۰/۵۰	۴/۷۷	جمهوری مولداوی	۰/۲۲	۲/۰۹
سوئیس	۰/۳۴	۴/۳۵	لیتوانی	۰/۲۱	۲/۰۶
ژاپن	۰/۴۰	۴/۰۹	رومانی	۰/۱۸	۱/۹۶
جمهوری دومینیکن	۰/۲۵	۳/۷۵	آرژانتین	۰/۱۷	۱/۹۳
مکزیک	۰/۲۶	۳/۷۳	آذربایجان	۰/۱۹	۱/۸۸
جمهوری کره	۰/۳۰	۳/۶۸	ونزوئلا	۰/۱۳	۱/۸۱
هند	۰/۳۳	۳/۶۷	اسوونی	۰/۱۵	۱/۶۷
اسپانیا	۰/۲۹	۳/۲۱	کلمبیا	۰/۱۱	۱/۱۸
جمهوری چک	۰/۲۷	۲/۸۸	مقدونیه	۰/۰۸	۰/۹۲
اکراین	۰/۲۹	۲/۸۱	پرو	۰/۰۵	۰/۶۰

۰/۶۰	۰/۰۶	فیاپین	۲/۸۰	۰/۲۱	شیلی
۰/۵۳	۰/۰۵	ترکیه	۲/۷۲	۰/۲۶	اسلواکی
۰/۳۶	۰/۰۳	برزیل	۲/۷۰	۰/۲۳	کرواسی
۲/۴۴	۰/۲۴	لتونی	۲/۵۸	۰/۲۴	آلبانی
۲/۴۱	۰/۲۲	مجارستان	۲/۴۵	۰/۲۱	اروگوئه

منبع: مأخذ شماره ۲

داده های بالا رابطه اعتماد اجتماعی و شاخص سرمایه اجتماعی را با شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی را در کشور های منتخب نشان می دهد. بطور طبیعی کشور های توسعه یافته تر دارای رتبه بالای در سرمایه اجتماعی نیز هستند.

جدول ۳ ضریب همبستگی اعتماد اجتماعی و شاخص سرمایه اجتماعی با شاخص های اقتصادی و اجتماعی

شاخص سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	گویه ها
۰/۴۵۷	۰/۴۵۷	امید به زندگی
۰/۴۹۹	۰/۴۷۵	شاخص توسعه انسانی
۰/۷۲۷	۰/۶۶۶	تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب برابری قدرت خرید
۰/۶۹۹	۰/۶۷۱	تغییر در تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۸
۰/۷۰۷	۰/۷۴۴	تعداد روزنامه به ازای هر ۱۰۰۰ نفر

توجه: ارقام داخل پرانتز آماره t را نشان می دهد.

منبع: مأخذ شماره ۲

جدول (۴) نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی و همچنین شاخص سرمایه اجتماعی با شاخص‌های اقتصادی رابطه کاملاً معناداری دارد. یکی از شاخص‌های مهم، شاخص توسعه انسانی است که با ضریب همبستگی آن با شاخص سرمایه اجتماعی تقریباً برابر با ۰/۵ می‌باشد. شاخص دیگر تولید ناخالص داخلی سرانه است که آن نیز با شاخص سرمایه اجتماعی رابطه کاملاً معناداری دارد. بدین ترتیب هر جا که سرمایه اجتماعی بالاتری وجود داشته باشد، شاخص‌های اقتصادی نیز عملکرد بهتری را نشان می‌دهند.

همچنین در جدول پایین به انعکاس رابطه سرمایه اجتماعی با برخی از شاخص‌های دمکراتیزه شدن و توسعه سیاسی و کارآمدی دولت نشان داده شده است.

جدول ۴ ضریب همبستگی اعتماد اجتماعی و شاخص سرمایه اجتماعی با شاخص‌های مختلف

شاخص سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	
۰/۳۶۷	۰/۳۱۹	حقوق سیاسی
۰/۴۸۳	۰/۴۰۴	آزادی‌های مدنی
۰/۶۸۰	۰/۶۷۶	ثبات سیاسی
۰/۷۲۳	۰/۶۷۶	نقش قانون
۰/۶۷۷	۰/۶۲۴	کارآمدی دولت

منبع: مأخذ شماره ۲

بطور کلی ارقام جدول (۳-۲) نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌هایی مانند وجود حقوق سیاسی، وجود آزادی‌های مدنی، ثبات سیاسی، نقش قانون و کارآمدی دولت رابطه مثبت و کاملاً معناداری وجود دارد. بویژه رابطه سرمایه اجتماعی با ثبات سیاسی، نقش قانون و کارآمدی دولت بسیار بیشتر از بقیه موارد است. زیرا وجود سرمایه اجتماعی کمک می‌کند که اعتماد بین دولت و مردم بیشتر باشد و از این طریق کارآمدی دولت را افزایش می‌دهد. همچنین هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد رعایت و اجرای قانون نیز از طرف دولت و مردم بیشتر می‌گردد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی و قانون ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند.

۶-۲- معمای رشد و سرمایه اجتماعی

معمای رشد در پی طرح این پرسش که چرا رشد تولید ناخالص ملی در بین کشورهای مختلف، متفاوت است نمود یافت. بطوریکه حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد از رشد را نمی‌توان توسط عوامل تولید تبیین نمود. اما میزان واریانس توضیح داده نشده را به بهره‌وری عوامل تولید نسبت می‌دهند. اما سوال اساسی این است که آیا این یک مائده آسمانی است یا بهر حال دارای منشأ مشخصی می‌باشد. هرچند که آن را تحت عنوان پیشرفت تکنولوژیکی می‌نامند ولی با توجه به قابلیت دسترسی به تکنولوژی، چرا همه کشورهای توان دسترسی به آن را ندارند (نورث، ۱۹۹۰). نقش نهادهای رسمی و غیر رسمی را در تبیین و فهم عملکرد اقتصادی بسیار مهم می‌داند که یکی از مفاهیم مهم در این راستا سرمایه اجتماعی است که نقش آن در عملکرد اقتصادی یک کشور، یک منطقه، یک گروه و حتی یک پنگاه بسیار مهم می‌باشد. این در حالی است که مدل رشد نئوکلاسیکی سولو تغییر تکنولوژیکی را بصورت پسماند یا توضیح داده نشده در نظر می‌گیرد. برای تبیین رشد توضیح داده نشده، اخیراً برخی مباحث متوجه سرمایه اجتماعی و توانایی اجتماعی شده است که می‌تواند تبیین بهتری برای رشد اقتصادی باشد (Temple, 1999). مطالعات بین کشوری نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. برخی مطالعات بیانگر این است که اعتماد یک متغیر کلیدی در تبیین رشد اقتصادی است (Knack, 2002). برخی مطالعات نیز به سرمایه اجتماعی دولت پرداخته‌اند که بیانگر آزادی شهروندان، آزادی سیاسی، تعداد دفعات انتخابات، ریسک سیاسی و... می‌باشد. بعنوان مثال این مطالعات دریافته‌اند که عدم اعتماد بین دولت و مردم موجب کاهش معناداری در رشد اقتصادی شده است (Grier and Tullock, 1989). از طرف دیگر مطالعاتی نیز به بررسی اعتماد بین مردم و اثر آن بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. در یک مطالعه این نتیجه بدست آمده است که ۱۲ درصد افزایش در اعتماد بین مردم موجب افزایش یک درصد در درآمد سالانه می‌شود (Knack and Keefer, 1997). هم چنین مطالعه دیگری برای دوره ۹۳-۱۹۷۰ دریافت که اعتماد بین مردم رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی دارد (Laporta et al, 1997). در یک مطالعه مقطعی بین کشوری برای دوره ۹۶-۱۹۹۵ مشاهده شد که ارتباط قوی بین اعتماد و رشد وجود دارد. این نتیجه موجب تقویت

یافته‌های قبلی شد که حتی در کوتاه مدت بین اعتماد و رشد رابطه معناداری وجود دارد. در سطح روستاها مطالعات نشان می‌دهد که صداقت، وفاداری و همیاری در بین مردم فقیر زیاد است و بسیاری از کاستی‌ها را پوشش می‌دهد. از آنجائیکه سرمایه اجتماعی می‌تواند حقوق مالکیت را تضمین کند، لذا گفته می‌شود که وجود سرمایه اجتماعی، عمدتاً به نفع ثروتمندان است، زیرا آنها دارایی‌های بیشتری برای از دست دادن دارند. اما اینکه واقعاً سرمایه اجتماعی به نفع فقرا است یا ثروتمندان، نمی‌توان به آن جواب قطعی داد، ولی مسلم است که هر یک از آن نفع می‌برند. یکی از مطالعات که در سطح خانواده صورت گرفته است نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بطور معناداری احتمال فقیر بودن یک خانواده فقیر را ۷/۳۶ درصد کاهش و در مقابل احتمال ثروتمند شدن را در بین ثروتمندان فقط ۴ درصد افزایش می‌دهد. هم چنین یک تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مثبت را بر فقیرترین خانوارها داشته است (Grootaert, 2002). این امر می‌تواند بدین دلیل باشد که شفاف‌سازی قراردادها و حفاظت از حقوق مالکیت و ایجاد فضای اعتماد از طرف دولت، به فقرا کمک می‌کند که در سرمایه انسانی سرمایه‌گذاری کنند و به بنگاهها اجازه می‌دهد که از بخش غیر رسمی وارد بخش رسمی شوند (Soto, 1989).

گیوسو، لویی جی و زینگالس (۲۰۰۱) سرمایه اجتماعی را با استفاده از شاخص‌های متعددی از قبیل سطح مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها، حضور در انتخابات و روابط شهروندی اندازه‌گیری نمودند. آنها دریافتند که در ایتالیا، سطح سرمایه اجتماعی کاملاً با توسعه مالی ارتباط دارد و در جایی که سرمایه اجتماعی بیشتر است، افراد سرمایه‌گذاری‌های بیشتری در بازار سهام انجام می‌دهند و دستیابی بیشتری به مؤسسات مالی رسمی دارند. مشابه آن، هونگ و استین (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که در آمریکا افرادی که همسایگان خود را می‌شناسند نرخهای مشارکت بالاتری در بازار سهام دارند. پوتنام، لئوناردی و نانتی (۱۹۹۳) بیان می‌دارند که موفقیت و شکست دولت‌های ایالتی در ایتالیا را می‌توان توسط سرمایه اجتماعی توضیح داد. آنها دریافتند که سرمایه اجتماعی برای وجود یک دولت خوب ضروری است. هم چنین به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی بر اقتصاد و توسعه مالی تأثیر دارد.

نتیجه گیری

اگر چه به تعبیر جامعه شناسان آغازین در فرایند گذار به جامعه جدید شیرازه های سنتی متصل کننده آدم ها به گسسته می شوند اما در جوامع مدرن امروزی شاهد پیدایش شکل های جدیدی از وابستگی و اتصال اعضا یک جامعه مفروض بهم هستیم که به تعبیر امیل دور کیم شاید نقش سازمان های میانجی را بر عهده دارند مانند انجمن و سندیکا ها، شرکت ها و تشکل های اقتصادی و اجتماعی دیگر. از سوی دیگر حضور افراد در شبکه های پیچیده جامعه مدرن نیاز مند اعتماد و نیز مشارکت سازمان یافته و خود انگیخته شهروندان است که می تواند روند توسعه را تسهیل و یا بعنوان مانع آن عمل نماید. هر چقدر اعضاء یک جامعه خاصی در شبکه روابط اجتماعی حضور بیشتر و پر رنگ تری داشته باشند و در عین حال این حضور توأم با اعتماد و مشارکت آگاهانه باشد به ایجاد نوع جدیدی از سرمایه منجر می شود که تحت عنوان سرمایه اجتماعی معرفی می شود. این سرمایه بر خلاف سرمایه های قبلی مانند سرمایه مالی یا انسانی که در تملک یک نفر هست و در درجه دوم به گروه، سازمان یا جامعه مربوط می شود از ابتدا متعلق به جمع و گروه است.

مطالعات میدانی گوناگون در کشور های مورد اشاره این مقاله از جمله نتایج مطالعه در ایتالیا، بورکینافاسو، نروژ، آمریکا و نیز مطالعات بین کشوری نشانگر رابطه مثبت و تسریع گر میزان و کیفیت سرمایه اجتماعی در روند توسعه این جوامع می باشد. جای مطالعات ملی پیمایشی و نیز تحلیل های تئوریک راجع به سرمایه اجتماعی و نرخ توسعه مناطق و استان های ایران و نیز توسعه کلان کشوری با عنایت با این بعد در ایران کاملاً خالی است.

منابع:

- ۱- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت های مدنی ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران
- ۲- پیمایش ملی ارزش ها و نگرش ها (۱۳۸۰) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۳- بوردیو، پیر (۱۳۸۱) نظریه کنش ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار
- ۴- کلمن، جیمز (۱۳۸۱) بنیاد های نظریه اجتماعی، صبوری کاشانی، منوچهر انتشارات نی
- ۵- فوکویاما، فرانسیس (۱۹۹۷)، پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران ۱۳۷۹.
- ۶- توسلی غلامعباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴) مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید در نامه علوم اجتماعی شماره ۲۶
- ۷- سوری علی و اسداله نقدی (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر کسب و کار اقتصادی در همدان دانشگاه بوعلی سینا

- 1) Costa, D.L. and M.E. Kahn (2001), "Understanding the Decline in Social Capital, 1952-1988", NBER, Working Paper.
- 2) Easterly, W. and R. Leveine (1997), "Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions", Quarterly Journal of Economics, 112,(4), 1203-1250.
- 3) Glaeser, E., D. Laibson, and B. Sancerdote (2002), "The Economic Approach to Social Capital", Economic Journal, 112, F437.
- 4) Grier, K.B. and Tullock, G. (1989), "An Empirical Analysis of Cross-National Economic Growth: 1951-1980", Journal of Monetary Economics, 24:259-376
- 5) Grootaert, C. and Van-Bastelaer (2002), The Role of Social Capital in Development. Cambridge University Press, Cambridge.
- 6) Knack, S. and Keefer, P. (1997), "Does Social Capital have an Economic Pay-off? A Cross Country Investing action", Quarterly Journal of Economics, 112,4, pp.1251-1288.

- 7) Kormendi, R.C. and Meguire, P.C. (1985), “Macroeconomic Determinants of Growth; Cross Country Evidence”, Journal of Monetary Economics, 16, pp.191-163.
- 8) ۱۵- La Porta, R. (1997), “Trust in Large Organizations”, American Economic Association Papers and Proceedings, 87(2), 333-338.
- 9) Temple, J. and Johnson, P.A. (1998), “Social Capability and Economic Growth”, Quarterly and Economic Growth, Quarterly Journal of Economics, 113, 3, pp.965-990.

Archive of SID